

مقاله پژوهشی

معانی و ابعاد طبیعت در شعر، نقاشی و گردشگری ادبی مکتب رمانتیسیسم*

فائزه همایونی^۱، فریده آفرین^۲

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

چکیده | این پژوهش چپستی معانی و ابعاد طبیعت را در شعر، نقاشی و گردشگری ادبی رمانتیسیسم بررسی می‌کند. در واقع چپستی طبیعت و جلوه آن را در آثار شاعرانی همچون لرد بایرون و امرسون و نقاشانی چون تامس کول مطالعه می‌کند. سپس مؤلفه‌های گردشگری ادبی رمانتیسیسم را و می‌کاود تا به این مسئله پاسخ دهد که نگرش رمانتیسیسم به طبیعت چه نکات مثبتی برای گردشگری دارد. هدف این پژوهش واکاوی مخرج مشترک مکتب رمانتیسیسم در نگرش به طبیعت است. مطالعه داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و جمع‌آوری داده‌ها و تصاویر براساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است.

ابعاد و معانی طبیعت در اشعار و نقاشی‌های منتخب رمانتیک عبارتند از طبیعت بکر، طبیعت وحشی و رام نشده، طبیعت عظیم و شگفت، ماوراءالطبیعه، درون و نفس انسان، طبیعت ساخت انسان، منظره احساسی و بدیع، مناظر والا؛ زیبا و بهشت‌گونه، همراه با کنجکاو‌هایی در غارها، جنگل‌ها، آب‌های خروشان، آبشارها و مناظر کوهستانی. نتایج مثبت نگرش مکتب رمانتیسیسم به طبیعت برای گردشگری ناظر به دو سطح عمومی و فردی است. در سطح عمومی دولت‌ها و طرف‌های ذی‌نفع سرمایه‌های ملی براساس مکان‌ها، مناطق و مناظر طبیعت ملحوظ در آثار ادبی و هنری برنامه‌ریزی و آماده‌سازی می‌کند. در سطح فردی، راهی زیباشناختی وجود دارد که گردشگری به‌عنوان شکل پذیرفته‌شده اجتماعی براساس مناطق و مناطق ملحوظ در آثار، به‌عنوان جستجو در مسیر احساس، آگاهی و تفکر در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه توجه، تلقی و نگرش رمانتیک‌ها به طبیعت باعث عمق‌بخشی و تنوع‌دهی به نگرش به طبیعت در صنعت گردشگری می‌شود.

واژگان کلیدی | طبیعت، شعر، نقاشی، گردشگری، رمانتیسیسم.

طبیعی آن نسبت به دیدن هنرهای زیبا و سایر مصنوعات برتری داشت (آفرین و عبدنیکفر جام، ۱۴۰۰، ۵۶۵). او تأمل در طبیعت را عاملی برای برانگیختن احترام زیباشناختی در انسان می‌داند. رمانتیک‌ها به طبیعت به‌عنوان یک محیط خالص و زیبا از زاویه‌های زیباشناختی، احساسات و درک درونی می‌نگریستند. این مسئله تأثیر به‌سزایی بر حضور افراد در طبیعت و فرهنگ گردشگری نیز داشته است. آن‌ها طبیعت را به‌عنوان یک ناشناخته محبوب دیدند که تجربه انسان از آن هرگز به پایان نمی‌رسد. از نظر رمانتیک‌ها، طبیعت نه تنها محیطی برای پرورش انسان است، بلکه دنیای عظیم و بی‌نهایتی است که هیچ‌کس توانایی کنترل و مقابله با آن را ندارد. بنابراین، طبیعت از منظر رمانتیک‌ها به‌عنوان یک محیط خالص، زیبا، مملو از احساسات و باورنکردنی تلقی می‌شود که توانایی ایجاد تجربه‌های شخصی و افزایش رشد شخصیت انسان را دارد. همچنین از نظر آن‌ها طبیعت و زیبایی آن نقش مهمی در پرورش روحیه انسان نیز دارند. طبیعت و عظمت عالی آن،

مقدمه | رمانتیسیسم در اواخر قرن هجدهم در اروپا به‌وجود آمد. یکی از مهم‌ترین ارکان محوری آن، طبیعت بود. ژان ژاک روسو^۱ و اندیشه‌هایش درباره گرایش به طبیعت از مهم‌ترین پایه‌های فکری رمانتیسیسم به‌حساب می‌آید. از نظر روسو تمام فسادها و مشکلات به‌دست بشر اتفاق می‌افتد. این انسان است که طبیعت را مجبور به تغییر می‌کند (روسو، ۱۳۸۸، ۳۳).

روسو معتقد بود: ۱- زندگی در طبیعت و توجه به آن باعث برانگیخته شدن تفکر و تخیل انسان و احترام او به احساسات است، ۲- زندگی کردن به شکل طبیعی خودش همانند طبیعت و دوری کردن از تمدن به‌ظاهر متمدن است (زیرک‌زاده، ۱۳۳۲، ۱۲). نگرش روسو درباره طبیعت و تمایل انسان به بازگشت به زندگی ساده و طبیعی دور از عوارض مخرب تمدن، می‌تواند از اهداف برخی گردشگران باشد. کانت شبیه گوته، ترک کردن موزه‌ها برای تجربه زیباشناختی طبیعت را توصیه می‌کرد. از نظر او، دیدن تمام جلوه‌های صور زیبا به همراه جاذبه‌های

* محمد نجارزاده در سال ۱۴۰۲ در دانشکده «هنر» دانشگاه «سمنان» انجام شده است.

** نویسنده مسئول: f.afarin@semnan.ac.ir. ۰۲۳۳۱۵۳۵۳۷۷

** این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «فائزه همایونی» با عنوان «زیباشناسی گردشگری با توجه به نگرش مکتب رمانتیسیسم به طبیعت (مطالعه و کاربست: استان سمنان)» است که به راهنمایی دکتر «فریده آفرین» و مشاوره دکتر

در واکنش به نگرانی‌های روزافزون مردمی در باب تخریب و نابودی محیط‌زیست ظاهر شد.

همایونی و آفرین (۱۴۰۲) در مقاله «مطالعه نوع طبیعت و نگرش به آن در آثار گوته و نقاشی‌های فردریش و رونگه» به رمانتیسیم آلمانی و تأثیر نقاشان آلمانی بر گوته در نگاه به طبیعت پرداخته‌اند. زاویه دید و کشور‌های منتخب مقاله پیش‌رو نسبت به تحقیق نامبرده گسترده‌تر است. همچنین ابعاد گردشگری ادبی رمانتیک را جستجو می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث نوع، نظری و کیفی است. جمع‌آوری داده‌ها و تصاویر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع دیجیتال و اینترنتی انجام شده است. روش مطالعه داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. ابتدا نگرش به طبیعت در شعر، نقاشی و گردشگری ادبی رمانتیسیم مطالعه و توصیف شده و نکات مثبت و نتایج آن برای صنعت گردشگری تحلیل گردیده است.

طبیعت در ادبیات و نقاشی رمانتیک

شاعران رمانتیک توانستند صحنه‌هایی خلق کنند که به لطف قدرت تخیل از واقعیت پیشی گرفتند. مضمون اصلی و مشترک آثار اغلب رمانتیک‌ها، طبیعت است که «الیه شعر و موسیقی مخلوقات آن‌ها» است و به اشکال مختلف در اشعار آن‌ها پدیدار می‌شود (Bravo, 2007, 141). در واقع، برخلاف رنسانس، انسان‌ها دیگر کانون توجه اصلی نبودند، بلکه به‌عنوان بخشی از یک کل بزرگ‌تر که طبیعت بود، به حساب می‌آمدند. به‌همین دلیل رمانتیک‌ها بر زیبایی و قدرت طبیعت تأکید می‌کردند (Gonzalez Almodóvar, 2014, 4). طبیعت به‌عنوان منبع الهام و نهادگرایی هنر گویای این بود که خودش هرگز تغییر نمی‌کند بلکه تأملات شاعران درباره طبیعت است که دگرگونی می‌پذیرد و پیرو احساسات و طبایع ایشان است. گونه‌شناسی طبیعت، آن‌گونه که نویسندگان رمانتیک تصور می‌کنند، توجه را به تنوع عناصر و پدیده‌های طبیعی، مظاهر و آثار وجود انسان به‌عنوان بخشی از طبیعت، ارزش‌های انسان در طبیعت و ستایش خدا در گرایش وحدت وجود جلب می‌کند. اغلب شاعران رمانتیک «بر رابطه دیالکتیکی سوژه شاعرانه و ابژه‌های طبیعت تأکید می‌کردند» (همایونی و آفرین، ۱۴۰۲، ۱۷۰).

• شعر رمانتیک

در شعر رمانتیک، طبیعت به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم نمایان می‌شود. در وصف مستقیم طبیعت، شاعران برای نمونه بایرون از عناصر طبیعی و صحنه‌های طبیعی برای بیان احساسات و افکار خود استفاده می‌کنند. اما برخی از آنها مانند امرسون در زمینه‌های غیرمستقیم، در بحث‌های فلسفی مرتبط با انسان، همچنان از طبیعت و عناصر آن کمک می‌گیرند. در اینجا است که رنگ اصلی عنصر طبیعت در تصاویر شاعرانه روشن‌تر و محسوس‌تر است. در وصف مستقیم طبیعت، از طبیعت کمک گرفتن امری بدیهی است اما به‌هنگام سخن گفتن از چیزهایی که بیرون از حوزه طبیعت است؛ اگر شاعری از طبیعت و عناصر آن کمک بگیرد

احساسات و عواطف را بیدار می‌کند و این واکنش عاطفی باعث پرورش روح انسان می‌شود.

پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

- معانی و مولفه‌های مشترک شعر، نقاشی و گردشگری ادبی رمانتیسیم بر محور طبیعت چیست؟

- نگرش مکتب رمانتیسیم به طبیعت چه نکات مثبت و نتایجی برای گردشگری دارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، این تحقیق در دو بخش سامان یافته است: طبیعت در ادبیات و نقاشی رمانتیک - گردشگری ادبی رمانتیک و طبیعت.

پیشینه پژوهش

تفاوت این پژوهش با پیشینه‌های دیگر در این است که درباره مؤلفه‌ها و معانی مشترک طبیعت در شعر، نقاشی و گردشگری ادبی مکتب رمانتیسیم تحقیق می‌کند. پیشینه‌های نزدیک به اهداف پژوهش عبارتند از: اسمیت در مقاله‌ای با عنوان «از تور بزرگ تا ماجراجویی آفریقا» به بررسی تأثیر ادبیات بر روندهای گردشگری می‌پردازد که قبل از اواسط قرن نوزدهم ایجاد شد. این مقاله به این امر می‌پردازد که چگونه این عادات و روندها، خود را به‌ویژه در سفرهای بعدی به آفریقا و آفریقای جنوبی نشان دادند. او همچنین گردشگری ادبی را به‌عنوان شکلی از رابطه گردشگری و ادبیات در نظر می‌گیرد. سپس با اشاره به تحولات ناشی از رمانتیسیم و انقلاب صنعتی، روند فرهنگی آفریقا را به‌عنوان یک مقصد گردشگری بررسی می‌کند (Smith, 2013).

براو در مقاله‌ای با عنوان «آفرینش ادبی و ماوراءطبیعی در رمانتیسیم انگلیسی» می‌گوید رمانتیسیم انگلیسی جنبشی هنری و معنوی بود که در قرن نوزدهم روی داد. این جنبش تلاش می‌کرد تا موضوع عاطفی را به شکلی تخیلی به تصویر بکشد و تصور می‌کرد که تخیل برتر از عقل است. آن‌ها برای این کار از رویاپردازی به‌عنوان میدانی برای بهره‌برداری از تخیل استفاده می‌کردند. او همچنین در این باره می‌گوید رمانتیک‌ها عشق و پرستش طبیعت را همراه با سادگی و غنای آن پرورش دادند و همه این عناصر قدرت خلاقیت نویسندگان رمانتیک را غنی کردند (Bravo, 2007).

وانسلف (۱۳۹۸) در کتاب استتیک رمانتیسیم، تمام جنبه‌ها و مولفه‌های مکتب رمانتیسیم در کشورهای مختلف چون آلمان، انگلیس، فرانسه و روسیه را جستجو می‌کند. هنرمندان و هنرهای گوناگون عرصه نمایش و موسیقی علاوه بر نقاشی و ادبیات را مطالعه می‌کند و برای کسب دیدگاه کلی پژوهش پیش‌رو نافع بوده است.

میرخاتمی نسب لنگرودی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود با باعنوان «واکاوی در رابطه زیباشناسی و گرایش‌های هنر محیطی با محوریت طبیعت» درباره زیبایی‌شناسی محیطی (اکواستتیک) بحث می‌کند. او معتقد است در دوره روشننگری و رمانتیسیم اولیه، طبیعت به‌عنوان الگوی تجربه و دآوری زیباشناختی تلقی می‌شد. بعدها این منظر دید از طبیعت به هنر تغییر یافت. این وجه نگرش نیز در اواخر دهه ۱۹۶۰ هنگامی تغییر کرد که زیباشناسی محیط‌زیست به‌منزله یک رشته جدید

و توانمندی‌های طبیعت، وی را در خطمقدم فیلسوفانی قرار می‌دهد که درک ما را از اشکال پیچیده‌ی تعامل طبیعت ارتقا داده‌است. حساسیت امرسون به استعاره‌های ملحوظ در امور عادی، او را قادر ساخت تا همبستگی صمیمی بین فرآیند انسانی و دامنه‌ی نامحدود طبیعت را نشان دهد. هر صحنه‌ی محلی در درون خود درسی یا افسانه‌ای با قدرتی کهن به همراه داشت و به قلب جهان می‌رسید. او با ترجمه‌ی این استعاره‌های بومی به بیان شاعرانه، به طبیعت اجازه داد تا ریتم‌ها و پویایی‌های درونی خود را به نمایش بگذارد. مهم‌تر از آن، انسان متناهی را مجبور کرد تا خود را به روی چیزی که اندازه و منشأ خود را تشکیل می‌دهد، بگشاید (Corrington, 1990, 20). امرسون در نوشته‌های اولیه، شاعر را به‌عنوان «زاده‌ی جدید روح‌القدس» تجلیل می‌کند که جایگزین وزیر یا کشیش به‌عنوان الگوی ایده‌آل برای خودسازی خواهد شد. شاعر در قدرت‌های طبیعت شرکت می‌کند و سجاف را در آهنگ‌های سنجیده‌ی شعر فشرده می‌کند. او در تأملات بعدی خود اجازه می‌دهد، کشاورز که هرگز بازتاب‌های خود را در شعر نشان نداده‌است، به‌عنوان الگوی از نحوه‌ی تعامل طبیعت با فرآیند انسانی عمل کند (همان). وی در طبیعت تلاش می‌کند تا فراگیرترین ویژگی‌های جهان را بیان کند و نشان دهد که چگونه روح در میان نظم‌های طبیعت به‌عنوان اصل متحرک آن‌ها حرکت می‌کند (همان، ۲۱). اگر کشاورز وسوسه شود که مالکیت مناظر را بپذیرد، شاعر می‌داند که تمام این ادعاها نیروهای ابدی طبیعت را که هرگز نمی‌توان آن‌ها را مالک شد، بی‌سروصدا و آژگون می‌کند. شاعر به‌دلیل موهبت زبانی که خود ریشه در نیروهای طبیعت دارد، عامل اصلی مکاشفه‌ی طبیعت است. تمام گفته‌های شاعرانه نماد طبیعت است که خود نمادی از روح است. برای امرسون جوان، زبان نیرومندترین منبع وحی است (همان، ۲۲). از نظر او، شاعر دریافت‌کننده‌ی منفعل حقایق طبیعت نیست، بلکه توانایی خداگونه دارد که جهان را از طریق گفتار شاعرانه دگرگون کند. شاعر جهان را با افکار منطبق می‌کند؛ او [شاعر] خشکی و دریا را به هم می‌زند، آن‌ها را حول محور اندیشه‌ی اولیه خود می‌چرخاند و از نو خلاص می‌کند (همان). شاعر همه‌چیز را با افکار خود منطبق می‌کند؛ از تخیل، که خود قدرتی عظیم است، استفاده می‌کند تا جهان را در تصویر خود شکل دهد. شاعر با تحمیل فرم در واقع جهان را از هم می‌پاشد و به پویایی درونی آن اجازه می‌دهد تا آشکارتر ظاهر شود. با استفاده از تخیل انسان، شاعر مستقیم‌تر در حرکت جهان شرکت می‌کند، زیرا به فرم‌های قدیمی اجازه می‌دهد محو شوند و فرم‌های جدید را وادار می‌کند تا جای خود را بگیرند.

• نقاشی رمانتیک

مردم زمانی که تصاویر هنری از طبیعت ترسیم می‌کنند، به‌نظر می‌رسد که به شکل‌دهی مجدد طبیعت پرداخته‌اند. در صورتی که برای بهتر دیدن طبیعت این کار را انجام داده‌اند. منظره، تاحدی زیر مجموعه‌ای از طبیعت است و فهم و درک ما از آن نسبتاً جدید به‌نظر می‌رسد (رالف، ۱۳۹۷، ۲۳؛ پورتوس، ۱۳۹۱، ۸۱). در آثار نقاشان رمانتیک، انعکاسی از طبیعت و پل‌های رابط به زیباشناسی و گردشگری گشوده می‌شود. گردشگری که به هنرمند تجربه‌ی رنگ و نور متفاوت از کارگاه را می‌دهد و در جهت تقویت حس زیباشناختی او به کار می‌رود و نتیجه‌اش اثری از منظره‌ای بدیع است

در آنجاست که شعرش بیشتر عنوان شعر طبیعت می‌تواند پیدا کند. جستجوی عناصر طبیعی در اشعار این عصر نشان می‌دهد که دید این دوره بیشتر دید طبیعی است. نه تنها در وصف‌های طبیعت و ارزش ذاتی آن بلکه در زمینه‌های دیگر نیز توجه شاعران به طبیعت نوعی تشخیص و امتیاز دارد و در هر زمینه‌ای از مباحث معنوی شعر، عنصر طبیعت بیشترین سهم را داراست زیرا با وجود تفاوت‌های محیط‌زیستی، رنگ عمومی شعرهای طبیعت یکسان است. تصاویر شعری رمانتیک اغلب، حاصل تجربه‌های حسی شاعران است. از این‌ نظر طبیعت در اشعار آنها زنده‌ترین وصف‌ها را داراست، چرا که بیان مادی و حسی از طبیعت با کنجکاو عجیبی در زوایای وجودی هر یک از اشیاء همراه است. در قسمت بعد اشعار و نگرش بایرون و امرسون بررسی می‌شود.

– هارولد لرد بایرون، «زیارت چایلد» و «غزال وحشی»

زیارت چایلد^۲ (۱۸۱۲) هارولد بایرون^۳ نمونه‌ی خوبی از چگونگی تمجید از زیبایی طبیعت در همه‌ی اشکال آن است. لرد بایرون در «کانتو ۲»^۴ طبیعت را به‌عنوان یک همراه ایده‌آل برای مردان معرفی می‌کند: «برای نشستن بر روی صخره‌ها، برای بالا رفتن از کوه بی‌مسیر و کشف‌نشده، این تنهایی نیست». برای او، تنها ماندن با طبیعت در واقع تنها بودن نیست، زیرا مردان از همراهی با طبیعت لذت می‌برند. او حتی آن را به‌جای همراهی با مردان ترجیح می‌دهد. به‌دلیل این واقعیت که «طبیعت و شاعر قهرمان به‌شدت با هم متحد می‌شوند، این دو کاملاً یکدیگر را درک می‌کنند» (Sanchez Calvo, 1989, 149). با این حال، بایرون نه تنها جنبه‌های زیبای طبیعت را در این کانتوس نشان می‌دهد، بلکه جنبه‌ی خطرناک و بی‌رحم آن را نیز به نمایش می‌گذارد^۵ (Gonzalez Almodovar, 2014, 13). لرد بایرون در اشعارش طبیعت را به بالاترین سطح خود ارتقا می‌دهد و ما را از عظمت آن آگاه می‌کند که به او اجازه می‌دهد تا زمانی که نمی‌تواند آن را در جامعه یا جماعتی پیدا کند، به مقصد آن فرار کند و در آن جا آرامش پیدا کند. لحظاتی در شعر او وجود دارد که قهرمان داستان احساس می‌کند که نمی‌تواند با انسان‌های دیگر زندگی کند، زیرا اشتراکات کمی با آن‌ها دارد. در آن لحظاتی که به‌نظر می‌رسد هیچ‌کس او را نمی‌فهمد، طبیعت می‌فهمد، زیرا هر دو «صحبت می‌کنند/ یک زبان متقابل». بنابراین، شاعر و طبیعت از نزدیک با هم متحد می‌شوند: «آنجا که کوه‌ها برافراشتند/ آنجا دوستانی برای او بودند» (همان). او در شعر «غزال وحشی»^۶ زیبایی طبیعت را با تپه‌های سبز، حیوانات و رودخانه‌ها به‌تصویر می‌کشد. وی غزال وحشی را در تپه‌های یهودا توصیف می‌کند که در آنجا از منابع طبیعی می‌نوشد و می‌خورد. پربدن و حرکت با خوشحالی این حیوان خوب، بینندگان را به خود جذب می‌کند، زیرا چیزی وجود ندارد که او را آزار دهد یا بترساند. پس شاعر به انسان توصیه می‌کند که سلاح مخرب طبیعت نباشد تا بتواند به انسان زیبایی بخشد (Abd Allah, 2019, 49). در شعر غزال، تپه، رود، سرو، نخل، دشت، خاک و سنگ به‌عنوان چهره‌های طبیعت هستند. طبیعت بکر، با هر دو وجه آرام و وحشی در اشعار بایرون دیده می‌شود.

– امرسون و تعامل با طبیعت

رالف والدو امرسون^۸ از شاعران رمانتیک است. نظرات او در باب ساختارها

رانده شده‌اند به درختان خشکیده و بی‌بار و بر جلوی تصویر منتهی می‌شود. بدین طریق، آینده ورود انسان به زمین را نشان می‌دهد که قرار است آن را با انقلاب صنعتی به رنگ قهوه‌ای کدر و سیاه در بیاورد. نقاشی دیگر توماس کول با عنوان حلقه یوغ (تصویر ۲) نمایانگر تفکرات رالف والدو امرسون و هنری دیوید تارو^{۱۱} است که معتقد بودند انسان برای رسیدن به خدا و حقیقت محض بایستی فلسفه و بینش خود را بر پایه کشف و شهود و خودباوری بنا کند. آن‌ها همراه با نشانه‌های پیشرفت صنعتی، فلسفه فوق‌طبیعی یا تعالی‌گرایی را در آمریکا ایجاد کردند که همانند همه انقلاب‌ها واکنشی نسبت به مسائل اجتماعی زمان خود بود (همان).

در اثر حلقه یوغ صحنه طبیعت وحشی در پیش‌زمینه نقاشی مشاهده می‌شود، درحالی‌که تصویر پیشرفت صنعت کشاورزی، که نماد تمدن بشر است نیز، در پس‌زمینه نقاشی منعکس شده و در حال دست‌درآزی بر طبیعت وحشی است. ابرهای سیاه نیز، به‌عنوان نماد پیشرفت صنعت و نشانگر شومی و بدبینی، خبر از وقوع سیلی عظیم بر حریم سیطره طبیعی می‌دهد. رماتیک‌ها در پاسخ به پیامدهای پیشرفت صنعتی ترس از تبدیل شدن انسان به ماشین، ماشین‌های انسان‌نما و اعتراض به هنر مکانیکی-ماشینی در جامعه‌ای فاقد احساس را در آثارشان نشانه می‌گرفتند (وانسلف، ۱۳۹۸، ۱۴۶ و ۱۴۷). توماس کول در این نقاشی چالش بین معصومیت فرد و طبیعت و فساد حاصل از تمدن و جامعه را به‌تصویر می‌کشد. در این ایده بر طبل نظر روسو می‌کوبد. نقاش نزاع قریب‌الوقوع بین تمدن و طبیعت را با استفاده از آنچه در پیش‌زمینه و پس‌زمینه قرار دارد به‌خوبی مطرح کرده است. پس‌زمینه نقاشی گویای این است که فناوری مانعی بر سر راه خودشناسی انسان است. او با ارائه تصویر رودخانه پیچ‌دار و حلقه‌وار، با توجه به فلسفه و ادبیات آمریکایی، این معنا را منتقل می‌کند که انسان برای خودشناسی باید به‌دنبال راه‌های جدید و تکیه بر توان ذهنی خود باشد، نه این‌که از مسیر گذشتگان پیروی کند. رماتیک‌های آمریکایی، با نگاه به طبیعت وحشی آمریکا، تعالی را در مناظر رام‌نشده می‌یافتند (رامین و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۲۲). در این نقاشی تقریباً هیچ انسانی غیر از نقاش وجود ندارد که با کلاه حصیری و سه‌پایه خود رو به رودخانه حلقه‌وار نشسته و در حال نقاشی است. نقاش از دل طبیعت وحشی ناظر و ثبت‌کننده طبیعت رام‌شده است. غیاب انسان یا کوچک‌بودن او قیاس‌ناپذیری قدرت این دورا نشانه رفته است. نوعی بدبینی به حضور انسان در طبیعت وحشی وجود دارد که با ابرهای سیاهی که نیمی از آسمان را می‌پوشاند مؤکد می‌شود.

نقاشی‌ها قابی محدودکننده بر گستره‌ای بدون محدوده دارند. اگر از قاب فرآگیر ادراکی مان صرف‌نظر کنیم، آثار طبیعت، برخلاف عمده آثار هنری، بدون قاب‌اند. بدین معنی، «طبیعت بی‌نهایت قاب دارد که فاعل تجربه می‌تواند هر بار یک یا چند امکان را از این میان به فعل درآورد» (علیا، ۱۳۹۵، ۵). انسان معمولاً با دل‌بستگی و عشق به طبیعت، از زیبایی‌ها و دستاوردهای آن لذت می‌برد و قاب‌نگریستن به آن را رقم می‌زند. در کل، می‌توان گفت که ستایش طبیعت بیشتر برای

برای ستایش یا بیزاری از هنر روستایی و شبانی. گردشگرانی را هم ترغیب می‌کند در مناظر مشابه طبیعت منعکس شده در نقاشی‌ها گردش کنند. در اروپا منظره‌نگاری هنر عمده و غالب قرن ۱۹ بود و در نتیجه آن مردم در این دوران توانایی تحسین زیبایی طبیعت را یافتند و باور کردند که منظره‌نگاری جزء جدانشدنی نیاز روح انسان است (میرخاتمی نسب لنگرودی، ۱۳۹۹، ۲۰). مفاهیم عالی و زیبا، از ارزش‌های زیباشناختی معرفی شده قرن هجدهم در بریتانیا بود، هنوز در دهه‌های قرن ۱۹ استفاده می‌شد، اما در دهه ۱۸۵۰ شروع به دادن جای خود به ارزش‌های جدید کردند. اگرچه بین کشورهای مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد (Pennonen, 2020, 75). رویکرد منظره‌محور در ارج‌شناسی طبیعت بر آن است که اگر می‌خواهیم طبیعت را چنان‌که باید و شاید ارج بشناسیم، باید از دریچه هنر، و به‌طور اخص نقاشی، به آن نظر کنیم و سازوبرگ نقاشی شامل کیفیات مربوط به فرم (ترکیب‌بندی، رنگ‌پردازی و...) و کیفیات بیانگرانه را شامل حال آن کنیم (علیا، ۱۳۹۵، ۵). در این صورت می‌توان نوعی گردشگری هنری را متصور شد که مقصد آن یافتن و گشتن مناظر نقاشی شده در آثار باشد.

- توماس کول و بهشت گمشده

توماس کول^{۱۲} از نقاشان دوره رماتیک است. او معتقد بود حفظ فاصله زمانی و فیزیکی از یک صحنه برای جلوگیری از جزئیات غیر ضروری و سطحی در عناصر متعالی و زیبایی منظره لازم است. در نقاشی رانده از بهشت (تصویر ۱)، این نقاش بهشت روستایی را نشان می‌دهد که نوعی بازنمایی واقع‌گرایانه از تخیل آمریکایی تلقی می‌شود و به‌نظر واقعی‌تر و ملموس‌تر از سرزمینی است که آدم و حوا به آن تبعید شده‌اند. این نقاشی منظره، به رانده‌شدن آدم و حوا از بهشت اشاره دارد. این منظره که مطمئناً نمی‌تواند منظره صرف باشد و می‌توان آن را به جای چشم‌انداز، ذهن‌انداز نامید، سرشار از نیروهای متضاد است (رامین و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۱۹). در نقاشی به‌جای آن‌که بر حالت ترس در چهره آدم و حوا تکیه شود، بر فردگرایانه بودن دیدگاه نقاش تأکید و با استفاده از نماد نور به وجه الوهی منظره پرداخته می‌شود (همان). در اثر فیگورهای کوچک در برابر عظمت طبیعت قرار گرفتند و خودنمایی ندارند، همین امر نشان می‌دهد شکوه طبیعت موضوع اصلی است. مناظر طبیعی او به منزله راه مفر و نمادی از بهشت عدن در برابر مناظر شهری دوداندود انقلاب صنعتی بریتانیا هستند (Cotter, 2018). مشخص‌ترین تضاد این نقاشی جدایی کامل ترکیب نقاشی است که بخش تاریک و شوم‌تر را در سمت چپ در مقابل بخش راست، که نورانی است قرار می‌دهد. نقاش این تقسیم‌بندی و شکاف عظیم را به‌صورت نمادین با استفاده از نور و رنگ انجام داده است. از آنجا که درون‌مایه اصلی آثار کول طبیعت عمیق و گیرایی است که انسان قادر به رقابت با آن نیست، در این نقاشی نیز کوه‌های سربه‌فلک کشیده و شکاف عمیقی که نور پخش شده از آن صحنه را به دو بخش کرده بر نیروی بی‌کران طبیعت افزوده است (رامین و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۲۰). منظره‌ای که کول طرف شکاف بهشت نقاشی کرده بسیار باشکوه است و جایی که آدم و حوا در طرف دیگر دره عمیق و هول‌انگیز



تصویر ۱. رانده از بهشت، ۱۸۲۸، اثر توماس کول، رنگ‌روغن روی بوم، موزه هنرهای زیبا، بوستون. مأخذ: www.mfa.org.

اینها شامل مکان‌ها و رویدادهایی می‌شود که بر محور کتاب‌ها متمرکز شده‌اند. جشنواره‌های ادبی؛ تعطیلات نوشتن خلاق؛ پارک‌های موضوعی ادبی؛ سایت‌های مرتبط با زندگی یک نویسنده؛ و مناظر ادبی (همان، ۱۳۵). برخی از جغرافیایها در مناظر ادبی را می‌توان به‌طور خاص در فرهنگ قرن نوزدهم بریتانیا و اروپا قرار داد، فرهنگی که به‌شدت تحت تأثیر رمانتیسیسم است. بنابراین، جای تعجب نیست که اکثر مطالعات در باب تاریخ گردشگری ادبی، به‌طور کامل یا جزئی، بر پدیده‌هایی متمرکز می‌شوند که بین نیمه دوم قرن هجدهم تا پایان قرن بیستم در این مناطق تکامل یافته‌اند. تأثیرات فرهنگی و ادبی آمریکا نیز این شیوه گردشگری را در اوایل قرن نوزدهم ایجاد کرد. بدنه‌ای از مطالعات هم تحولات گردشگری ادبی آمریکا را در طول دهه ۱۸۰۰ برجسته می‌کند (همان).

رمانتیسیسم با ستایش از طبیعت بکر آنچه را مردم به‌عنوان زیبا یا قابل تحسین می‌دانستند، تغییر داد. در نتیجه دامنه منظره‌ای را که مردم از طریق سفر دنبال می‌کردند، متحول و بزرگ‌تر کرد. به بازسازی فرهنگی دست زد. این بازسازی فرهنگی از طریق ادراکات گذشته نسبت به طبیعت در منظره‌عالی و زیبا، تجلی یافت. این منظره‌سازی گردشگری‌سازان دست‌کاری‌های انسان در طبیعت حاصل آمده و تصور رمانتیک از طبیعت را گسترش می‌داد. تحت نظارت آن، شگفتی‌های طبیعی یا کنجکاو‌هایی مانند غارها، جنگل‌ها، آب‌های خروشان، طوفان‌های خروشان و مناظر کوهستانی دیگر ناخوشایند یا ترسناک نبودند، بلکه تأثیرگذار محسوب می‌شدند. تصاویر وحشتناکی از کوه‌های آلپ از نمونه‌های برجسته فرایند بازسازی فرهنگی از منظره‌های ترسناک به تجربه‌های عالی ارائه می‌کنند. فرد بوتینگ^{۱۱} - نظریه‌پرداز ادبی - می‌گوید مناظر کوهستانی، به‌ویژه کوه‌های آلپ، احساسات قدرتمند وحشت و شگفتی را در بیننده برمی‌انگیزند. مقیاس عظیم آنها، نمایی از نیروی بی‌نهایت متافیزیکی فراتر از دانش عقلانی، درک انسانی و قدرت هولناک را ارائه می‌کرد. بسیاری از گردشگران بزرگ اواخر قرن هجدهم تصمیم گرفتند کوه‌های آلپ را در

ارزش ذاتی آن و تمجید از زیبایی‌ها، نیروی حیاتی و چرخه‌های مستمر، شگفتی‌ها و وجه الوهی و ماورالطبیعه آن است.

گردشگری ادبی رمانتیک و طبیعت

دربارۀ ادبیات و جهانگردی می‌توانیم این چنین بگوییم که برای قرن‌های متمادی رابطه‌ای دوجانبه با یکدیگر داشته‌اند. سفر که در بسیاری از آثار داستانی به‌عنوان ویژگی محوری عمل کرده است، قلمروهای جدیدی را برای ارائه ادبی باز می‌کند و موضوع یا زمینه را برای ادبیات فراهم می‌کند (Smith, 2013, 133). در گردشگری ادبی، که چهره‌های برجسته بسیاری از نویسندگان رمانتیک همانند وردزورث به خاطر شعر «صومعه تینترن» را می‌توان در میان آنها مشاهده کرد^{۱۲}، دو عنصر اساسی یعنی ادبیات و گردشگری وجود دارد که هر دو جنبه فرهنگ هستند. در واقع اصطلاح ادبیات در این نوع گردشگری، معمولاً میل به دیدن و تجربه مکان‌های مرتبط با اثر ادبی یا نویسنده آن را القا می‌کند (همان، ۱۳۴). ادبیات از نظر فرهنگی کارکردی دوگانه دارد، زیرا هم شیء یا محصول فرهنگ است و هم فرآیندی از فعالیت و توسعه خلاق که چنین محصولی را تولید می‌کند. اصطلاح «ادبیات» در اینجا به آثار خلاقانه یا تخیلی اشاره دارد: داستان‌ها، رمان‌ها، درام و شعر که در گردشگری ادبی، معمولاً میل به دیدن و تجربه مکان‌های مرتبط با اثر ادبی یا نویسنده آن را القا می‌کند. در طول تاریخ، آثار خاصی به‌عنوان «بزرگ» یا «کلاسیک» احترام شده و نویسندگان آن‌ها به‌عنوان نابغه‌های ادبی ستایش می‌شدند. آنها به‌عنوان نماینده قانون ادبی ملی یک کشور در نظر گرفته می‌شدند. در گردشگری ادبی، تنها نویسندگان مورد تحسین منتقدان قرار نمی‌گرفتند. معمولاً آن‌هایی که در بین خوانندگان محبوبیت پیدا می‌کنند، منابع انگیزه سفر هستند (همان).

گردشگری ادبی را می‌توان به‌عنوان شکلی از گردشگری فرهنگی تعریف کرد که بر محصولات مختلف مرتبط با نویسندگان و ادبیات تمرکز دارد.



تصویر ۲. اثر تامس کول، حلقه یوغ، ۱۸۳۶، رنگ روغن روی بوم، موزه هنری متروپولیتن، نیویورک. مأخذ: www.mfa.org.

در هر حال مدعی هستیم گردشگر می‌تواند در طبیعت زیبایی که آثار رمانتیک‌ها ارائه می‌دهند به گشت و گذار بپردازد و با توجه به گردشگری احساسی در منظره خواسته‌های زیبانشناختی خود را برآورده کند. زیبانشناسی گردشگری ویژگی‌های اساسی دارد. در فرایند سفر، زیبانشناسی گردشگری، زیبانشناسی ایستا نیست بلکه شامل زیبانشناسی پویا مانند تجربه و مشارکت به حساب می‌آید (Li, 2017, 1). جنبه‌های زیبانشناسی گردشگری شامل احساس، آگاهی و تفکر است. احساس ویژگی چیزهای عینی است که در واقع پیش شرط احساس زیبانشناختی افراد، فرایند تبدیل احساس به احساس زیبانشناختی است. آگاهی فرایند روانی افراد به دلیل ارتباط بین سطحی است و تصویر کلی از چیزهای عینی می‌سازد. آگاهی عمدتاً از طریق ادغام، تجزیه، تحلیل و تداعی احساس به دست می‌آید که در مقایسه با احساس، آگاهی کامل تر و پیچیده تر است. تفکر که گردشگران می‌توانند از طریق احساس، آگاهی و تفکر درباره چیزهای عینی تخیل کنند و آنها را درک کنند (همان). این سه جنبه در گردشگری ادبی رمانتیک در حد نهایی خود قرار می‌گیرد.

بحث

جستجوی ابعاد، جنبه‌ها و معانی طبیعت در اشعار و نقاشی‌های منتخب رمانتیک در این پژوهش نشان می‌دهد که جنبه‌های مادی، معنوی و ماورالطبیعه طبیعت در این آثار مدنظر قرار گرفته است. از این سه جنبه می‌توان معانی چون طبیعت بکر، طبیعت وحشی و رام‌نشده، طبیعت عظیم و شگفت، طبیعت ساخت انسان، ماورالطبیعه، درون و نفس، منظره احساسی و بدیع، مناظر والا؛ زیبا و بهشت گونه را بیرون کشید. مطالعه زمینه بسط این معانی نشان می‌دهد غارها، جنگل‌ها، آب‌های خروشان، آبشارها و مناظر کوهستانی برای انسان جذابیت دارد و کنجکاوی او را برمی‌انگیزد. نگرش مثبت مکتب رمانتیسیسم به طبیعت در دو سطح عمومی و فردی بر گردشگری تأثیر گذار است. در سطح عمومی می‌توان گفت دولت‌ها و

برنامه سفر خود بگنجانند. این برنامه نویسندگانی را در برمی‌گرفت که این تصویر والایش یافته شده از کوه‌های آلپ را ارتقا دادند، مانند بایرون با زیارت چایلد هارولد (۱۸۱۲). سیاحان قرن نوزدهم متون این شاعران را در سفر خود می‌بردند، برخی از آنها «صراحتاً مسیریایی را که شاعران طی کرده بودند دنبال می‌کردند یا با رسیدن به قله اشعاری می‌خواندند» (همان، ۱۴۳).

رویکردهای زیبانشناختی خود را در شیوه‌های گردشگری به شکل «ایستگاهی» نشان دادند، نقطه‌ای دقیق که دیدنی‌ترین یا عالی‌ترین چشم‌انداز یک منظره را در اختیار بیننده قرار می‌دهند. این پارادایم گشت و گذار بیشتر باعث ایجاد «گردشگری منظره احساسی» شد که از طریق آن شخصیت‌های داستانی یک اثر ادبی با تمرکز بر مکان‌های خاصی دنبال می‌شدند که یک منظره ادبی را تشکیل می‌دادند. در اواخر قرن هجدهم، رمان ژان ژاک روسو، «ژولی: هلویز نوین» به سال ۱۷۶۱ احتمالاً اولین رمانی بود که به این شیوه پرورش یافت، زیرا واتسون بیان می‌کند که نوشته‌های روسو و خوانندگان او بودند که «این روش جدید را اختراع کردند. روشی برای نگاه به منظره از طریق ادبیات ... که گردشگری احساسی منظره را رقم می‌زد». بخشی از روایت این داستان عاشقانه غم‌انگیز در دریاچه ژنو سوئیس (از طرف فرانسه معروف به لک لمان) می‌گذرد، به طور مداوم بر مکان‌های خاص اطراف دریاچه تأکید می‌کند و آنها را با بازسرمایه‌گذاری احساسات و عواطف، زنده می‌کند. با تقلید از شیوه‌های گردشگران مناظر عالی و زیبا، «به همین ترتیب» گردشگر روسو بهترین «ایستگاه‌ها» را در اطراف دریاچه جستجو می‌کند تا تجربه احساسی کلاسیک روسوئیستی را به دست آورد». گردشگر قسمت‌های مربوط به مکان‌های خاص در رمان را با صدای بلند می‌خواند. رمانتیسیسم باعث ایجاد گردشگری شد که عمدتاً روی صحنه رمان، بر منظر ادبی متمرکز بود، بر این اساس گردشگر هم از نظر تخیلی و هم از نظر احساسی با آن درگیر می‌شود (همان).

هنرمندان دوره رمانتیک با حضور در طبیعت و بهره از عناصر طبیعی آثار خود را خلق می‌کردند و آنچه تجربه و حس می‌کردند در کارشان می‌آوردند. آثار ادبی و هنری دوران رمانتیک، طبیعت را مستقیم و غیرمستقیم به تصویر می‌کشید. عناصر و چرخه‌های طبیعی را مستقیم به کار می‌گرفت. در طریق غیرمستقیم به شکلی عمیق، معنوی، نمادین و اسرارآمیز با هدف برانگیختن احساس تعالی، هیبت، عاطفه و تخیل طبیعت را تجسم می‌کرد تا واسطی برای بیان حقایق عمیق تر انسانی و مضامین وجودی باشد.

گردشگری ادبی و هنری به‌عنوان یک جریان فرهنگی در دوره رمانتیک به‌دنبال تجربه ارتباط نزدیک با طبیعت و کسب تجربه زیبایی‌های طبیعی است که در آثار ادبی و هنری نشان داده شده است. ابعاد، جنبه‌ها و معانی طبیعت در آثار منتخب رمانتیک جنبه‌های مادی، معنوی و ماورالطبیعه طبیعت را نشان می‌دهد که طیف معانی متعددی را هم دارد. نگرش مثبت مکتب رمانتیسیسم به طبیعت در دو سطح عمومی و فردی در گردشگری قابل بررسی است. دولت‌ها و طرف‌های ذینفع زمینه‌های گردشگری در سطح عمومی گسترش می‌دهند. مسیر زیباشناختی راهی برای ارتقای سطح فردی گردشگری است که انسان را از جنبه احساس، آگاهی و تفکر پرورش داده و در سطح اجتماعی با دیگران در نگهداشت و پاسداشت طبیعت و نیز گسترش گردشگری ادبی در تعامل، هماهنگی و اجماع نظر قرار داده است. تحقق تمایلات زیباشناختی گردشگران در مکان‌ها و مناظر مشخص از اهداف گردشگری فرهنگی است. اگر از همه معانی و زوایا و ابعاد نگرش رمانتیک به طبیعت در تربیت زیباشناختی گردشگران استفاده شود، در عمق دادن به فلسفه نگهداشت و پاسداشت طبیعت با تمام معانی ذکر شده، نقش به‌سزایی خواهد داشت.

طرف‌های ذی‌نفع سرمایه‌های ملی، شهرها، معابد باستانی، بناهای تاریخی، مکان‌ها، مناطق و مناظر طبیعت ملحوظ در آثار فرهنگی و جشنواره‌های مربوط را آماده می‌کنند و شاخه‌های گردشگری را برای جذب سرمایه گسترش می‌دهند. از سوی دیگر، در سطح فردی، جنبه‌های زیباشناختی گردشگری در مسیر پرورش احساس، آگاهی و تفکر فردی و نتایج جمعی آن جهت می‌گیرد. در این سطح راهنمای سفر گردشگری ادبی و هنری برای ارضای حس جستجوگر و زیباشناختی گردشگران فرهنگی تهیه می‌شود. بدین معنا گردشگران فرهنگی ترجیح می‌دهند که به دیدن، حس کردن و مشارکت در مناطق و مناظر ملحوظ در آثار ادبی و هنری دوره رمانتیک، بپردازند و با توجه به گردشگری احساسی در منظره خواسته‌های زیباشناختی خود را برآورده کنند. احساس، آگاهی و تفکر در تجربه زیباشناختی طبیعت برگرفته از آثار رمانتیک در حد نهایی خود پرورش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

رمانتیسیسم در اواخر قرن هجدهم در اروپا به‌وجود آمد. یکی از مهم‌ترین ارکان محوری آن، طبیعت بود. اهمیت طبیعت برای رمانتیک‌ها به‌قدری زیاد بود که معتقد بودند علاوه بر محتوای آثار هنری باید ساختار آن‌ها نیز با طبیعت سازگار باشد. موضوع اصلی و حائز اهمیت درباره طبیعت، مسئله بازگشت به آن بود که بسیاری از فیلسوفان مانند روسو به شکل مفصلی به آن پرداخته‌اند. روسو معتقد بود مردم باید از جوامع تمدن و صنعت‌زده، دوری و در طبیعت زندگی کنند. نگرش روسو درباره طبیعت و تمایل انسان به بازگشت به زندگی ساده و طبیعی دور از دستکاری‌های مخرب تمدن، می‌تواند از اهداف برخی گردشگران باشد. کانت، ترک کردن موزه‌ها برای تجربه زیباشناختی طبیعت را توصیه می‌کرد و تأمل در زیبایی‌های طبیعت را عاملی برای برانگیختن احترام زیباشناختی در انسان می‌دانست.

پی‌نوشت

۱. Jean-Jacques Rousseau

فیلسوف، نویسنده و آهنگ‌ساز فرانسوی است. فلسفه سیاسی او بر پیشرفت عصر روشنگری در سراسر اروپا و همچنین جنبه‌هایی از انقلاب تاثیر گذاشت.

۲. Childe Harold's Pilgrimage

Lord Byron

جورج گوردون بایرون، ششمین بارون (۱۷۸۸، ۱۹ آوریل ۱۸۲۴) شاعر و اشرافی انگلیسی بود که یکی از بزرگ‌ترین شاعران و پیشگامان جنبش رمانتیسیسم شناخته می‌شود.

۳. Canto II

۴. و آیا کرس‌ها می‌توانند از بی‌وقفه شکار کردن دست بردارند؟

۵. در جنگل‌های در هم پیچیده لذتی وجود دارد،

در ساحل خلوت، شوروشوق موج می‌زند،

جماعتی هست که هیچ‌کس در آن مزاحم نیست،

کنار دریای عمیق و موسیقی غرش آن:

انسان را کمتر دوست ندارم، بلکه طبیعت را بسیار بیشتر دوست دارم (Gonzalez Almodóvar, 2014,13).

The Wild Gazelle

Ralph Waldo Emerson

امرسون در دوره اول بر قدرت زبان شاعر تأکید می‌کند. او در دوره دوم تأکید را از قدرت

و حیاتی زبان به‌سمت کار عملی و مؤثر کشاورزی تغییر می‌دهد. او به‌عنوان یک کشاورز آماتور تا آنجا پیش می‌رود که در توصیف فعالیت خلقت و حفظ، از «ما کشاورزان» سخن می‌گوید. درواقع این عمل باعث می‌شود که الهام‌شاعرانه جای خود را به دگرگونی‌های فعال دهد و طبیعت را آشکار کند و راه خود را به خود نشان دهد (Corrington, 1990, 21).

Thomas Cole

توماس کول (۱۸۰۱-۱۸۴۸) هنرمند آمریکایی انگلیسی و بنیان‌گذار مکتب رودخانه هادسون اولین منظره نگار مطرح آمریکایی است که منظره‌های رمانتیک کار کرده است.

Henry David Thoreau

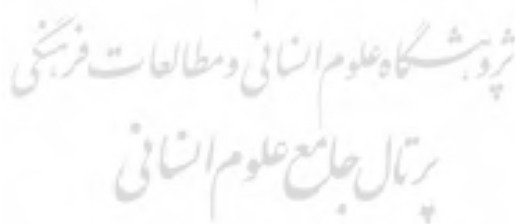
۱۱. شاعر در «میزهای واژگون» به خواننده می‌گوید طبیعت چیزهای بیشتری برای آموزش دارد تا کتاب. بنابراین، ما به‌جای خواندن تجربیات دیگران، بهتر است بیرون برویم و چیزها را به‌تنهایی تجربه کنیم (Gonzalez Almodóvar, 2014, 8).

Fred Botting

۱۳. رمانی از ژان ژاک روسو، است که به زبان فرانسوی و در ۱۷۶۱ م. منتشر شد. داستان پرفراز و فرود مکاتبات دو شخصیت اصلی آن، ژولی و سن پرو، و مکاتبات کلر دورب با ژولی، مکالمه مایلوورد ادوارد بومستون با سن پرو، و نامه‌های آقای ولمار بر محور عشق ناکام ژولی و سن پرو را دربرمی‌گیرد. سن پرو پس از منع ازدواج با ژولی به سوئیس می‌رود. ژولی که در پایان بیمار است از سن پرو که با نامه ولمار شوهر ژولی به خانه آنها آمده می‌خواهد همراه فرزندانش بماند و تربیت‌شان را به عهده گیرد.

فهرست منابع

- آفرین، فریده و عبدنیکفر جام، بیتا. (۱۴۰۰). زیباشناسی گردشگری براساس نگرش کانت به طبیعت در نقد قوه حکم. پژوهش‌های فلسفی، ۱۵(۳۷)، ۵۴۶-۵۷۹.
- پورتوس، جی. داگلاس. (۱۳۹۱). زیباشناسی محیط‌زیست و معماری منظر (ترجمه لیلا آقاداتاشی). کلهر.
- رامین، زهره؛ خاتمی‌نیا، فضا و پوینده، پریسا. (۱۳۹۷). بازخوانی تطبیقی تأثیر ادبیات بر نقاشی قرن نوزدهم آمریکا و گذار از گفتمان مسلط. ادبیات تطبیقی، ۱۰(۱۹)، ۱۰۷-۱۱۲.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی (ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی). آرمانشهر.
- روسو، ژان‌ژاک. (۱۳۸۸). امیل؛ رساله‌ای در باب آموزش و پرورش (ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده). چاپ پنجم. ناهید.
- زیرک‌زاده، غلامحسین. (۱۳۳۲). نهضت رمانتیک در ادبیات فرانسه. دانشگاه تهران.
- علیا، مسعود. (۱۳۹۵). طبیعت در قاب هنر: کندوکاوی در ارج‌شناسی زیبایی‌شناسانه طبیعت بر حسب هنر. کیمیای هنر، ۵(۲۱)، ۷-۱۶.
- میرخاتمی نسب لنگرودی، مرجان. (۱۳۹۹). واکاوی در رابطه زیباشناسی و گرایش‌های هنر محیطی با محوریت طبیعت (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده هنر سمنان، ایران.
- وانسلف، ویکتور ولادیمیر وویچ. (۱۳۹۸). استتیک رمانتیسیم (ترجمه بابل دهقان). اشاره.
- همایونی، فائزه و آفرین، فریده. (۱۴۰۳). مطالعه نوع طبیعت و نگرش به آن در آثار گوته و نقاشی‌های فردریش و رونگه. پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۱۱(۲)، ۱۵۵-۲۰۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
همایونی، فائزه و آفرین، فریده. (۱۴۰۳). معانی و ابعاد طبیعت در شعر، نقاشی و گردشگری ادبی مکتب رمانتیسیم. گردشگری فرهنگ، ۵(۱۶)، ۶-۱۳.



DOI: 10.22034/TOC.2024.430807.1143

URL: https://www.toc-sj.com/article_193213.html